

عبور از تألیف فردی

■ علی اصغر سیدآبادی

یکی از ویژگی‌های «کتاب درسی» در ایران، مطلق‌گرایی و حاکمیت ذهنیت اقتدارگرایانه بر آن است. در کتاب‌های درسی ایران، چنین وانمود می‌شود که مرجع نهایی درست و غلط بودن گزاره‌ها، همین کتب درسی است و جایی برای شک و تردید نیست.

تأملی در کتاب‌های درسی نیز که برای «رشته ادبیات کودک» دانشگاه‌ها و دانشسراها نوشته شده است، حکایت از همین نکته دارد.

ساختار این کتاب‌ها به گونه‌ای است که گویی پاسخ همه پرسش‌ها نزد نویسنده یا نویسندگان کتاب بوده و آنان پاسخ نهایی را در کتاب گنجانده‌اند.

گذشته از این، آن‌چه متأسفانه در کتاب‌های این رشته می‌بینیم، کپی‌برداری از یکدیگر است و همین باعث شده که اغلب کتاب‌ها، هم به لحاظ تقسیم‌بندی‌های موضوعی و هم از نظر ساختار، به هم شبیه باشند و چیز تازه‌ای بر کتاب قبلی نیفزایند.

البته بررسی کتاب درسی، بدون توجه به برنامه و طرح درس، چندان مقدر نیست و این

ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن

نویسنده: ثریا قزل‌ایاغ

ناشر: انتشارات سمت

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۸۳

بها: ۲۲۰۰ تومان



شباهت‌ها را می‌توان به آن نسبت داد. با این همه، گاهی استثناهایی را می‌توان دید که قضاوت پیشین را متزلزل می‌کند.

اخیراً انتشارات «سمت»، کتابی با عنوان «ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن»، نوشته ثریا قزل‌ایاغ منتشر کرده که در میان کتاب‌هایی که درباره ادبیات کودک و نوجوان منتشر شده، یگانه است.

این کتاب، طبق توضیحی که در مقدمه‌اش آمده، برای دانشجویان رشته کتابداری در مقطع کارشناسی، به عنوان منبع اصلی درس «مواد و خدمات کتابخانه برای کودکان و نوجوانان» و در رشته علوم تربیتی، برای درس «ادبیات کودکان و نوجوانان» و در گروه هنر، برای درس «آشنایی با ادبیات کودکان» تدوین شده است.

اگر از این نکته بگذریم که چگونه می‌توان برای هر سه درس که علی‌القاعده باید تفاوت‌هایی با هم داشته باشند، یک کتاب در نظر گرفت (احتمالاً ضرورت برنامه این تفاوت‌ها را نادیده انگاشته)، مهم‌ترین ویژگی کتاب، پایان دادن به حاکمیت ذهنیت اقتدارگرایانه در کتاب‌های درسی این رشته است.

ثریا قزل‌ایاغ در نوشتن این کتاب، به پژوهش‌های گوناگون رجوع و استناد کرده است. این حوزه هم مانند حوزه‌های دیگر معرفت بشری، حوزه‌ای در حال تکامل و تغییر است و هیچ «من» مرجع و مقتدری وجود ندارد که قادر باشد حکم‌های کلی و قطعی صادر کند. او هم‌چنین، با طرح دیدگاه‌های مختلف و متنوع، جدی بودن ادبیات کودک و نوجوان را نشان داده است.

اگر بخواهیم ویژگی‌هایی برای کتاب قزل‌ایاغ، در مقایسه با کتاب‌های دیگر برشماریم، می‌توانیم

به موارد زیر اشاره کنیم:

- مراجعه به پژوهش‌ها و آثار متنوع و مختلفی که درباره ادبیات کودک و نوجوان به وجود آمده است. به گونه‌ای که می‌توانیم ادعا کنیم در این کتاب، به تناسب موضوع، تقریباً به همه آثار مهم نوشته شده درباره ادبیات کودک و نوجوان ایران اشاره شده است و خود می‌تواند دانشجویان پیگیرتر را به عنوان منبعی برای مطالعه بیش‌تر یاری کند. در حالی که در کتاب‌های پیش، معمولاً از ارائه مأخذ نوشته اثری نمی‌بینیم یا اگر دیده می‌شود، بسیار اندک است.

- نویسنده تلاش کرده از تجربه‌های فردی خود و دیگران استفاده کند و همین باعث شده است که از تبدیل کتاب به یک متن غیرکاربردی و خشک جلوگیری شود. هم‌چنین، ذکر این تجربه‌ها باعث شده است که بیش‌تر به ادبیات کودک و نوجوان ایرانی پرداخته شود و بحث در چارچوب کشور خودمان پیش برود؛ اگرچه تجربه‌های جهانی نیز آورده شده است و امکان مقایسه هم وجود دارد.

- نکته مهم دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد، نگاه تاریخی حاکم بر آن است. به گفته صاحب‌نظری، ما اگر بتوانیم علوم تجربی را بدون توجه به تاریخ آن بیاموزیم، آموختن علوم انسانی بدون تاریخ آن ممکن نیست. نگاه تاریخی حاکم بر این کتاب، هم به درک سیر تحول ادبیات کودک و نوجوان کمک می‌کند و هم باعث می‌شود حرکت آینده ادبیات کودک و نوجوان، جهت بهتری پیدا کند.

- نگاه آسیب‌شناسانه در این کتاب، در فضایی که نقد به طور کامل شکل نگرفته است، می‌تواند یکی از نقاط قوت آن محسوب شود. قزل‌ایاغ در بخش‌های مختلف این کتاب، با طرح بحث‌های

پیشنهادها می‌تواند بسیار مفید باشد.

- او در این کتاب تلاش کرده است تازه‌ترین یافته‌های ادبیات کودک و نوجوان را در اختیار دانشجویان بگذارد. خلاف کتاب‌های دیگر این رشته که به گونه‌ای تألیف می‌شوند که سالیان سال قابل استفاده باشند، قزل‌ایاغ کتابش را به گونه‌ای تدوین کرده است که هر چند سال یک بار، به افزودن تجربه‌های تازه نیاز داشته باشد.

این تجربه‌های تازه، حتی اگر به کتاب افزوده نشود، خود را بر درس تحمیل می‌کند و برای معلم نقشی بیش‌تر از تکرارکننده کتاب قائل است. معلمی که این کتاب را تدریس می‌کند، باید به صورتی روزآمد با ادبیات کودک و نوجوان ارتباط داشته باشد و تجربه‌های تازه را به دانشجویان منتقل کند.

و اما چند نکته دیگر...

این کتاب از سه بخش و ۱۵ فصل تشکیل شده است و تقریباً همه حوزه‌های ادبیات کودک و نوجوان را در برمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که نقد هر بخش آن، به تأملی جدی‌تر و تخصصی‌تر نیاز دارد.

بخش اول کتاب با عنوان «کودک و نوجوان، کتاب و خواندن» چهار فصل را در خود جای داده است. در فصل اول، نویسنده به «ویژگی‌های جسمی و روانی کودکان و نوجوانان» می‌پردازد. فصل دوم به «تعاریف و نظریه‌های درباره کودک و خواندن» اختصاص دارد و فصل سوم به تعریف، نظریه‌ها و تقسیم‌بندی‌های ادبیات کودک و نوجوان می‌پردازد و فصل چهارم به «ضوابط کلی انتخاب کتاب برای کودکان و نوجوانان».

بخش دوم کتاب با عنوان «ادبیات کودکان،

آسیب‌شناسانه، دانشجویان را به تأمل بیش‌تر وامی‌دارد تا موانع اساسی پیشرفت ادبیات کودک و نوجوان را بشناسند. او در یکی از این بخش‌ها، به طرح بحث ممیزی می‌پردازد و آن را مانع پیشرفت کیفی ادبیات کودک و نوجوان برمی‌شمارد. طرح چنین بحثی در یک کتاب درسی که ناشر آن یک سازمان وابسته به دولت است، حکایت از جسارت و دقت نویسنده دارد.

- می‌توانیم در توصیف چگونگی تألیف این کتاب، از عنوان «عبور از تألیف فردی» استفاده کنیم؛ هر چند یک نام به عنوان مؤلف روی کتاب قید شده است و روی برخی از کتاب‌ها دو یا حتی سه نام. ثریا قزل‌ایاغ اگرچه این کتاب را به تنهایی تألیف کرده، کوشیده نشان دهد که ادبیات کودک حوزه‌ای گسترده است که بسیاری در آن تلاش می‌کنند و ردپایی از آنان در این کتاب دیده می‌شود. در کتاب‌های دیگر، علی‌رغم این که دو یا حتی سه نفر آن‌ها را تألیف کرده‌اند، ردپایی از تلاش دیگران به چشم نمی‌خورد. البته شاید بتوان این عارضه را ناشی از فاصله زمانی تألیف‌ها دانست.

- یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب که آن را از کتاب‌های دیگر متمایز می‌کند، گنجاندن بخشی با عنوان «فعالیت‌های پیشنهادی»، پس از هر درس است. قزل‌ایاغ با تسلطی که بر تدریس این رشته دارد و با توجه به تجربه‌اش در برگزاری کارگاه‌های مختلف، در این بخش تلاش کرده است با ارائه پیشنهادهایی، این درس را به یک کارگاه آموزشی تبدیل کند. با توجه به این که اغلب دانشجویانی که این رشته را می‌گذرانند، بعد از پایان تحصیل، به احتمال زیاد با ادبیات کودک قطع رابطه می‌کنند و در حین تحصیل نیز فرصت برقراری ارتباط با مراکز و نهادهای مرتبط را نمی‌یابند، این

خواندن «کتاب» است و در کنار آن، به رسانه‌های دیگر فقط اشاره‌هایی شده است و در این اشاره، البته رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز از قلم نیفتاده است.

این کارکرد دوگانه، تقریباً در همه فصل‌های کتاب به چشم می‌خورد که شاید اگر برای هر موضوع کتاب جداگانه‌ای تألیف می‌شد، بهتر می‌بود. اما البته این موضوع، بیش از آن‌که به مؤلف برگردد، به برنامه آموزشی مربوط می‌شود.

در نخستین فصل کتاب، بنا به سنت معمول در تألیف کتاب ادبیات کودک، به ویژگی‌های جسمی و روانی کودکان و نوجوانان پرداخته شده است. نقطه مثبت کتاب این است که به آرای ژان پیاژه محدود نشده و به آرا و دیدگاه‌های روان‌شناسان دیگر نیز اشاره شده است. از سوی دیگر، این نکته هم چنان مبهم است که آیا شناختی که برای ادبیات از کودک و نوجوان ضروری است، صرفاً در همین بحث‌ها خلاصه می‌شود؟ یا به عبارت دیگر، آیا شناخت ویژگی‌های عام جسمی و روانی کودک، برای ادبیات کودک و نوجوان کفایت می‌کند؟ جای چنین شناختی از کودک و نوجوان، نه تنها در این کتاب که در اغلب کتاب‌هایی که از مخاطب بحث می‌کنند، خالی است و یکی از خلأهای جدی پژوهشی در همین جاست.

خانم قزل‌ایاغ، ویژگی‌های جسمی و روانی کودک را در پاسخ به این سؤال که «کودک مخاطب کیست؟» آورده است. آیا برای پاسخ دادن به این پرسش، شرح و بسط ویژگی‌های جسمی و روانی کودک کفایت می‌کند؟

به نظر می‌رسد پیش فرضی که این بحث را به شرح و بسط ویژگی‌های روانی و جسمی کودک می‌کشاند، یکسان انگاشتن دو مفهوم «کودک و

روند رشد در جهان و ایران و انواع»، فصل‌های پنجم (روند رشد ادبیات کودکان در جهان)، ششم (روند رشد ادبیات کودکان در ایران)، هفتم تا دوازدهم (انواع ادبیات کودکان...) را در برمی‌گیرد.

بخش سوم کتاب با عنوان «کتاب کودک، رسانه‌ها و راهکارها»، سه فصل را در خود جای داده است. فصل سیزدهم به «کتاب تصویری، کتاب‌های مصور، وضعیت تصویر در کتاب‌های کودکان»، فصل چهاردهم به «ادبیات کودکان و سایر رسانه‌های ارتباط جمعی» و فصل پانزدهم به «فعالیت‌هایی جهت اشاعه کتاب و خواندن» اختصاص یافته است.

هم‌چنین، کتاب دو پیوست دارد. پیوست اول، به معرفی مؤسسه‌های ملی و بین‌المللی ادبیات کودکان و نوجوانان می‌پردازد و پیوست دوم، نمایشگاه‌ها و جوایز ملی و بین‌المللی کتاب کودک را معرفی می‌کند.

از آن‌جا که این کتاب، هم برای درس «مواد و خدمات کتابخانه‌ای برای کودکان و نوجوانان» تدوین شده و هم برای ادبیات کودک و نوجوان، قرار است که کارکردی دوگانه داشته باشد. این کارکرد دوگانه، اما باعث شده است که معلوم نباشد محور اصلی در این کتاب، «کتاب کودک» است یا «ادبیات کودک».

نویسنده خواسته است با نام‌گذاری متفاوت و افزودن «ترویج خواندن» به دنباله عنوان ادبیات کودکان و نوجوانان، این کارکرد دوگانه را توجیه کند و تا حدودی این مهم را به انجام برساند. اما به نظر می‌رسد که امروزه «خواندن» در کتاب خلاصه نمی‌شود و مواد خواندنی دیگر نیز از اهمیت بسیار برخوردارند که به آن‌ها به اندازه کافی پرداخته نشده است. به عبارت دیگر، در این کتاب، محور

این جا اشاره مختصری به بعضی موارد می‌کنیم:
- بحث «ویروس بزرگسالی در شعر کودک» که در صفحه ۱۱۸ به آن اشاره شده است، به نظر می‌رسد جای تأمل بیش‌تری داشته باشد. این بحث در حد ایده‌پردازی از سوی یکی از شاعران (شکوه قاسم نیا) طرح شده و هرگز بحث جدی نظری درباره آن صورت نگرفته است و این ایده‌پردازی را به عنوان حکم قطعی در کتاب درسی آوردن، شاید چندان مناسب نباشد.

- در ص ۱۱۸ دو کتاب روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان و فانتزی در ادبیات کودکان، نوشته محمدهادی محمدی، به عنوان کتاب‌هایی که از سوی داوران جایزه کتاب سال، جایزه بهترین پژوهش را گرفته‌اند، معرفی شده است. «جایزه کتاب سال» و «جایزه پژوهش‌های فرهنگی سال»، دو جایزه جداگانه‌اند و نه به لحاظ سازمانی و نه از نظر داوری، به هم ارتباطی ندارند.

در مجموع، این کتاب در مقایسه با کتاب‌های دیگر درسی ادبیات کودکان، کتابی کم‌ادع‌تر است؛ خود را مرجع نهایی نمی‌داند و نشان می‌دهد که حوزه تحقیق در این زمینه گسترده و بی‌پایان است و به همین نسبت، عمیق‌تر از کتاب‌های دیگر به نظر می‌رسد.

نوجوان» و «مخاطب کودک و نوجوان» باشد. البته چنین تفکیکی در بحث مخاطب‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان، تفکیکی تازه یافته است.

ما وقتی از «کودک و نوجوان» سخن می‌گوییم، همه کودکان و نوجوانان را مدنظر داریم و در واقع، تلقی‌مان «توده‌ای» است. هم‌چنان که وقتی از مردم سخن می‌گوییم، با چنین تلقی‌ای روبه‌رو می‌شویم. اما آیا مخاطب، همه کودکان و نوجوانان را در برمی‌گیرد؟

مخاطب کودک و نوجوان، جمع یا گروهی از کودکان و نوجوانانند که نویسنده آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد یا کودکان و نوجوانانی که خود متن نویسنده را انتخاب می‌کنند و یا هر دو و نه همه کودکان و نوجوانان.

قائل شدن به چنین تفکیکی، باعث می‌شود که شناخت مخاطب، به شناخت ویژگی‌های عمومی جسمی و روانی کودکان و نوجوانان محدود نشود و پای تفاوت متن‌ها و تأثیر آن بر تفاوت مخاطبان از یک‌سو و تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و محیطی و هم‌چنین پیش‌آگاهی‌های مخاطبان به بحث باز شود.

ناگفته پیداست که بخش‌های مختلف این کتاب را می‌توان از زاویه تخصصی‌تری هم بررسی کرد و چنین بررسی‌هایی ضرورت دارد که در